بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نمیمه 2](#_Toc427888926)

[مرور گذشته 2](#_Toc427888927)

[تفرق در قرآن 2](#_Toc427888928)

[فرع هفتم 2](#_Toc427888929)

[فرع هشتم 2](#_Toc427888930)

[فرع نهم 2](#_Toc427888931)

[فرع دهم 3](#_Toc427888932)

[فرع یازدهم 3](#_Toc427888933)

[فرع دوازدهم 3](#_Toc427888934)

[فرع سیزدهم 3](#_Toc427888935)

[فرع چهاردهم 4](#_Toc427888936)

[فرع پانزدهم 4](#_Toc427888937)

[فرع شانزدهم 4](#_Toc427888938)

# نمیمه

# مرور گذشته

در تکمله بحث نمیمه به فروع بحث رسیدیم.

## تفرق در قرآن

در قرآن کریم و روایات، دو نوع بحث در باب تفرق و تفریق بیان شده است. یکی همین بحث تفریق بین اشخاص است. یکی نیز تفرق‌های اجتماعی سیاسی است. این دو با هم ارتباطی دارند. وقتی تفرق صفوف مسلمین حرام باشد، طبعاً هر اقدامی که موجب آن تفرق بشود، اشکال دارد. چیزی که اینجا بحث می‌شود، مباحث فردی است. چیزی که در روایات است، تفرق افراد در ابعاد غیرسیاسی است. تفرقی که در قرآن آمده است، دو بخش دارد، یک تفرق سیاسی و دیگر دینی است. این چیزی به‌جز تفرق بین مردم است.

## فرع هفتم

فرع هفتم این است که اطلاقات و ادله در باب نمیمه شامل تفریق بین دو شخص و یا دو گروه است. گاهی تفریق بین دو قبیله،‌ دو شهر، حکومت است. اطلاق ادله تمام این مطالب را می‌گیرد. هرچقدر هم دامنه این برهم‌زدن روابط بیشتر باشد، گناه بیشتری دارد. گاهی با یک سخن‌چینی رابطه‌ی ده نفر به هم می‌خورد. قاعدتاً حرمت بیشتری خواهد داشت.

## فرع هشتم

گاهی نمیمه مخفیانه و گاهی آشکارا انجام می‌شود. مثلاً گاهی مقاله‌ای می‌نویسد و رابطه‌ی دو گروه را به هم می‌زند.

قاعدتاً نمیمه چه خفی یا آشکار باشد، مشمول حرمت می‌شود.

## فرع نهم

نمیمه از عناوین قصدیه است یا خیر؟

عناوین بر دو قسم است:

1. صدوق مفهوم بر قصد متقدم است: مثل بیع، شراع. اگر کسی در حال غفلت بگوید بعتُ، صدق بیع نمی‌کند.

2. اکل یا ضرب عنوان قصدی نیست. اگر کسی در خواب و حالت مستی نیز کاری بکند، حالت قصد ندارد ولی فعل را انجام داده است.

ظاهراً نمامی از عناوین قصدیه نیست. کاری که موجب تیرگی روابط می‌شود، هر امری که باعث این اتفاق باشد، نوعی نمیمه است. اما تنجز احکام و تکالیف متنجز بر علم و آگاهی است. اگر در غفلت باشد، صدوق مفهوم می‌کند، اما حرمتی ندارد.

## فرع دهم

نمیمه انواع مختلفی دارد، گاهی با نوشتن، اشاره، گفتار و ... اتفاق می‌افتد. تمام این موارد مشمول نمیمه می‌شوند. در جایی که کسی نیز مباشرت بکند و کسی را اجیر بر نمیمه کند، اعانه بر اثم کرده است.

## فرع یازدهم

گاهی نمیمه و سخن‌چینی باعث قطع ارتباط از دو طرف می‌شود و گاهی یک طرفه قطع می‌شود. در اینجا نیز سؤال است که هر دو قسم مشمول عنوان نمیمه می‌شود؟

ظاهر این است که هر دو قسم مشمول نمیمه می‌شود. زیرا در جایی که یک طرفه هم باشد، به‌هرحال رابطه‌ای قطع‌شده است.

## فرع دوازدهم

آیا حکم حرمت نمیمه اختصاص به مؤمن دارد یا شامل مسلم و کفار نیز می‌شود؟

بعضی از تکالیف با کل بشریت ارتباط پیدا می‌کند و بعضی برای مسلمین و بعضی دیگر برای شیعیان است. منظور از غیرمسلمان، غیرمسلمان محترم است. (ذمی، معاهد)

در ادله‌ای که وارد شده است، قید مؤمن و یا مسلمان وجود ندارد. بعضی از ادله ممکن است بر تفریق بین مسلمین تأکید کرده باشد، اما نسبت این ادله با ادله‌ای که اطلاق دارد،‌ نسبت مثبتین است. غالب ادله، اطلاق دارد.

## فرع سیزدهم

آیا حکم اختصاص به جایی دارد که یک نوع دوستی بین افراد باشد، یا اینکه معنای مطلق است؟

گرچه یک یا دو تا از روایات کلمه احبه را آورده بود، اما ادله‌ای دیگری وجود دارد که کاری به دوستی به معنای خاص ندارد و ناظر به این نیست که بین رفقا تیره‌سازی روابط اشکال دارد. همین‌که روابط عادی و طبیعی باشد، مشمول نمیمه می‌شود.

## فرع چهاردهم

نمیمه و نمامی دارای استثنائاتی است. البته این مستثنیات مثل کذب و غیبت نیست. در کذب و غیبت یک استثنائاتی در مدلول روایات آمده است. اما در ادله نمامی، چیزی به‌عنوان استثنای اولی نیست. استثنا نیز جایی است که نمامی با عنوان دیگر تزاحم پیدا می‌کند. استثنائات نمامی، استثنائات تخصیص شده اولی نیست بلکه استثنائات از باب تزاحم است.

ادله در جایی که نمامی بین کفار حربی باشد، انصراف دارد.

اگر نمامی با عنوان مهم دیگری تزاحم پیدا کرده باشد، مثلاً جنگی وجود دارد، اگر شخص نمامی کند، دشمن شکست می‌خورد، این خدعه در حرب است و عناوین اهم دیگری است. در اینجا نمیمه با عنوان اهم دیگری تزاحم پیدا کرده است.

مثال دیگر این است که شخصی در مقام اضطرار و اکراه است، این‌ها عناوین مزاحمی است که نمامی جایز است.

## فرع پانزدهم

نمیمه از گناهان کبیره است. در قرآن و روایات، وعده‌های عذاب داده شده است.

## فرع شانزدهم

بحث تفریق بین‌الناس را باید با بحث اصلاح بین‌الناس مقایسه کنیم. اصلاح بین‌الناس در جاهای مستحب و واجب است. تفریق بین‌الناس حرام است. اگر این دو حکم را با هم جمع کنیم، نشان‌دهنده اهتمام شارع به روابط حسنه اجتماعی است.